

تجلیات زبان و فرهنگ ایران هندوپاکستان*

دکتر سیدحیدر شهریار نقوی
سرپرست بخش پاکستان‌شناسی و زبان و اردو
«دانشگاه اصفهان»

گنجینه‌های عظیم ادبی، علمی و هنری در شبه قاره که به زمان حکومت مسلمانان فارسی-زبان به وجود آمده و امروز بعنوان بزرگترین سرچشمه‌های بلندی و افتخار از طرف کشورهای سرزمین پهناور مزبور به جهانیان معرفی می‌شود در واقع از میراث گرانبهای نیاگان ایرانیان نیز می‌باشد و چون در بوجود آمدن آن و تعمیر بناهای خیره‌کننده و بی‌نظیر مانند تاج محل و قلعه‌های کوه‌پیکر و مساجد بزرگ دهلی و آگرا و لاهور و ساختمانهای باشکوه دیگر که در شهرهای مختلف شبه قاره به چشم می‌خورند از نبوغ سرشار و هنر ارزنده ایران استفاده شایانی بعمل آمده است، توجه به آنها می‌تواند جوانان و نوباوگان این مرزوبوم را که عده زیادی از آنها در مقابل درخشندگی‌های امروز باختری مجذوب و مرعوب شده و از مکتب‌های علمی و فلسفی و هنری دیروز خود فاصله گرفته‌اند به گذشته درخشان خویش علاقمندتر سازد و در تقویت شخصیت ملی و حس میهن‌پرستی آنان کمک بسزائی بنماید.

به منظور نیل به چنین هدفیست که در سطور زیر مطالبی پیرامون تجلیات زبان و فرهنگ ایران در شبه قاره نگارش می‌یابد. در اینجا ضرورت دارد نخست کلماتی چند در معرفی اقالیم در نظر گرفته شده مرقوم گردد.

خصوصیات قابل توجه هند و پاکستان

شبه قاره که سرزمین حاصل‌خیز و بسیار پهناور است و در حال حاضر به سه کشور مستقل هند و پاکستان و بنگلادیش مشتمل می‌باشد و از دیرباز با ایران روابط خیلی نزدیک لسانی، فرهنگی، مذهبی و تجاری داشته و در ادوار مختلف تاریخ، بخشی از آن که امروز پاکستان نامیده می‌شود جزو قلمرو ایران بوده، در بین کلیه ممالک جهان دارای امتیازات و خصوصیات زیر می‌باشد:

۱ - «هند» از روی حروف ابجد با «جهان» مساویست زیرا که هر دو کلمه عدد ۵۹ را داراست. تصادفاً این حسن اتفاق با حقیقت هم توأم است برای این که هند خلاصه جهان است باین معنا که آنچه در جهان است در هند و پاکستان نیز هست بطور مثال هر گونه نژاد، هر نوع هوا و خاک، انواع و اقسام محصولات گیتی در آن ممالک یافت می‌شود.

۲ - در بین کلیه دره‌های قدیم و تاریخی عالم بنام دره نیل، دره بین‌النهرین، دره

* نثر فارسی این سلسله مقالات بقلم نویسنده که پاکستانی‌الاصل هستند، می‌باشد.

کارون و دره سند که در ربع اول قرن بیستم میلادی کشف شده گویا اولین جمهوری جهان در دره آخر الذکر وجود داشته است. امروزه بزرگترین جمهوری در دنیا بشمار می رود و شبه قاره دومین و پرجمعیت ترین سرزمین در عالم محسوب می گردد.

۳ - شبه قاره سرزمین عجائب و تنوع و تضادهاست و آن را میتوان سرزمین صد دستار و صد گفتار و صد رفتار نیز نامید.

۴ - بزرگترین کوه در روی این زمین بنام «هماله» و همچنین بلندترین قله کوه جهان با نام «اورست» در آن سرزمین واقع شده است.

۵ - پرباران ترین نقاط جهان در حوالی «چراپونچی» در استان آسام (هند شرقی) وجود دارد.

۶ - عالیترین محصولات چای، عود، صندل، موز، ادویه، کنف، نارگیل، چوب آبنوس و غیره در آن کشورها بدست می آید.

۷ - شبه قاره محل هبوط حضرت آدم و زادگاه کیش های معروف گیتی مانند دین ودائی و مذهب بودائی بوده و فرق و مرامهای دینی متعددی نظیر مرام جینی ها و سیکها و قادیانی ها و دین الهی و برهمناسم و فرق گوناگون دیگر هندوان و مسلمانان در آن سرزمین بوجود آمده اند. مرتاضها و یوگی های آن دیارها معروفیت ویژه ای در جهان کسب نموده اند.

۸ - بزرگترین جمعیت مسلمانان در جهان و همچنین بزرگترین جمعیت زرتشتیان در دنیا در شبه قاره زندگی می کنند.

۹ - جادوی بنگال و زلف بنگال و شمشیر هندی و تصوف و عرفان هندوستان شهرت بسزائی در دنیا یافته است.

۱۰ - شبه قاره در علوم ریاضی، طب، نجوم، هیئت و داستان سرائی در جهان قدیم معروفیت و مقام خاصی داشته و اعداد نیز بجهانیان تقدیم داشته است.

۱۱ - بازی معروف شطرنج از راه پاکستان وارد ایران گشته و سپس به اقصی نقاط کره ارض رفته و علاقمندان فراوانی در تمام عالم پیدا کرده است.

۱۲ - قدیمترین منظومه جهان بنام رگ ودا و حماسه های دینی و ملی هندوان بنام مهابهاراتا و رامایانا و کتابهای معروف دیگر مانند گیتا و کلیله دمنه و شکنتلا و امثال آنها در آن کشورها نگارش یافته اند.

۱۳ - نخستین کتاب دستور زبان در جهان از «پانینی» که مربوط به زبان قدیم سانسکریت می باشد در پنجاب تألیف گردیده است.

۱۴ - دلنوازترین سازها مانند سیتار و طبله و غیره و آوازهای دلنشین و رقص های بسیار زیبا و لباسهای خیلی جالب مانند ساری در هند و پاکستان و بنگله دیش دیده و شنیده می شود.

۱۵ - پربهاترین الماسهای جهان بنام «دریای نور» و «کوه نور» از هندوستان بدست آمده است.

۱۶ - زیباترین و خوشنواترین و گویاترین پرندگان دنیا مانند طاووس و طوطی و مینا و کویل و بیپهیا و غیره بیشتر در آن سرزمین به چشم می خورند.

۱۷ - تعدادی از زیباترین ابنیه تاریخی جهان مانند تاج محل، مساجد و قلعه های دهلی و آگرا و لاهور و احمدآباد و غیره و معابد هندوان در آبو و مدراس و میسور و بنارس و کهجواحه و غیره و حسینیه های لکهنؤ و صدها آرامگاه و خانقاه و غارهای معروف الورا و ایجتتا و صدها معابد دیگر هندوان و سکهان و جینی ها و بودائیان در آن شبه قاره وجود دارد.

۱۸ - بعلت داشتن گلها و چوبها و گیاه های بسیار خوشبو چون رای بیل، چنبیلی، هارسنگهار، صندل، خس و غیره هندوستان برای عطریات نیز شهرت بسزائی داشته است.

۱۹ - وجود مارگیرها و فیلها و میمونها و همچنین مهاراجگان و نوابات به شبه قاره جنبه افسانه ای داده است.

۲۰- سرزمین هند و پاکستان همیشه پر ثروت‌ترین و از حیث محصولات غنی‌ترین مملکتی در جهان بشمار میرفته و پرنده طلائی لقب داشته است .
بر اساس امتیازات و خصوصیات فوق بود که شبه قاره از ابتدای تاریخش توجه جهانیان را بخود جلب نموده و همواره اقوام مختلف گیتی را طرف خود کشیده و در نتیجه محل تلاقی تمدنهای گوناگون و مهد اندیشه‌های متنوع و احیاناً متضاد هم بوده است .

سهم ایران در پیشرفت همه جانبه هند و پاکستان

۱- قوم آریا از راه ایران به شبه قاره رفت و در آنجا صاحب اقلیم و منشاء کارهای عظیم گردید .

۲- هخامنشیان دره سند (پاکستان) را جزو قلمرو خویش ساختند و به مردم آن نواحی آئین نوین مملکت‌داری و نظم و نسق سیاسی آموختند . چندرگپت موریا بنیان‌گزار سلطنت بزرگ خاندان موریا در شهر «پاتلی پوترا» (در شمال هندوستان) که پس از حمله اسکندر به پاکستان قسمت اعظم سرزمین هندوستان را تحت تسلط خود درآورد ، از شهر تاکسیلا (نزد راولپندی) که شهر مرکزی ساتراپه هندی هخامنشیان بود برخاست و حکومتی با عظمت را بر اساس آئین کشورداری و قانون مملکتی ایرانیان بنا نهاد .

۳- ادیان ایرانی از جمله مهرپرستی و دین زرتشتی و کیش مانی به هند و پاکستان رواج یافتند و در افکار عمومی اهالی آن ممالک تأثیری از خود بجای گذاشتند . در زمان سلطنت هخامنشیان در شهر تاکسیلا مردگان را به پرندگان می‌دادند و دین ایران طبق نوشته مورخان یونان در آن دیارها رواج داشت . در زمان ساسانیان کیش مانی در پاکستان شیوع یافت . پس از اسلام زرتشتیان ایرانی به تعداد قابل توجهی به شبه قاره مهاجرت نمودند و در آن دو مملکت مصدر خدمات شایانی به جوامع بشری و علم و دانش گشتند .

۴- دین اسلام بیشتر از ایران به هند و پاکستان رفت به این معنا که مردم در آن ممالک ، اسلام را از راه فارسی درک نمودند و آنان اغلب بدست مبلغان و صوفیان و عارفان ایرانی بدین مبین اسلام مشرف شدند . مسلمانان شبه قاره احادیث و تفاسیر قرآن را بوسیله تراجم آنها بفارسی شناختند .

۵- کشورگشایان فارسی زبان از راه ایران به هند و پاکستان رفتند و در آنجا به افتراق و آشفتگی و عدم ثبات سیاسی پایان دادند و یکپارچگی و قانون مملکتی را جانشین آن ساختند .

۶- تعداد زیادی از اشخاص لایق و کاردان و دانشمندان و هنرمندان و شاعران و ماهران فنون گوناگون مانند محمود گاوآن (وزیر با تدبیر سلاطین بهمنی در جنوب هند) بیرم خان (سیهسالار اکبرشاه) ابوالفتح گیلانی (عالم و طبیب از امرای دربار اکبرشاه) نعمت‌خان عالی شیرازی (وزیر بنام دربار اورنگ زیب) زیب‌النساء (نورجهان همسر جهانگیر) کلیم کاشانی ، طالب آملی ، نظیری نیشابوری و امثال آنان که در آسمان دانش و فضل و ادب درخشیدند از ایران به آن سرزمین رفتند و افتخارات هندوستان را در زمینه‌های مربوط به خویش افزودند .

۷- تعداد بزرگی از ایرانیان در مواقع بحرانی و هجوم اقوام خارجی مانند یونانیان و اعراب و تاتاریها و تیموریان و افغانها به سرزمین شبه قاره مهاجرت نمودند و طبعاً همراه آنان ، در مقیاس وسیعی ، مظاهر زندگی و فرهنگ کهنسال آنان که بیشتر عبارت بود از آداب معاشرت ، طرز زندگی ، سبک تهیه نمودن انواع و اقسام غذاها ، لباسها ، مهارت در تعدادی از فنون و هنرها مانند مصوری و نقاشی ، خطاطی ، ساختمان‌سازی ، قالی‌بافی ، منبت‌کاری ، پارچه‌بافی ، کاغذ‌سازی ، صحافی ، موسیقی ، کاشی‌سازی ، پیوند زدن درختها و امثال آنها به هند و پاکستان انتقال یافت .

۸- در مالکی که بقول ظهیرالدین بابر مؤسس سلطنت تیموریان هند فاقد حمام ، مدارس ، نهرها ، شمع و شمعدان و حتی قیچی بود و در آن مردم منازل هوادار نمی‌ساختند و درست

کردن باغها رواج نداشت، پوشیدن کفش مرسوم نبود و لباس آنها به يك لنگ خلاصه می‌شد در نتیجه تماس با ایرانیان مهاجر که دارای تمدن عالی‌تری بودند، تحول چشمگیری در زندگی عموم مردم رخ داد و در اغلب مظاهر حیات اهالی هندوستان تجدد و نوگرایی صورت گرفت و در سبک خانه‌سازی، اثاثیه منزل، لباسها، آداب محفل و سایر لوازم زندگی دگرگونیهای وافری پدیدار گشت.

۹ - مهاجرت و مسافرت ایرانیان به هند و پاکستان باعث ایجاد تحول بسزائی در قلمرو فکر و نظر و اندیشه‌های ادبی اهالی آن ممالک گردید. سرایندگان آن دیارها پس از آشنا شدن با گلها و درختان جدیدی مانند نرگس و لاله و سنبل و ریحان و شمشاد و بیدمجنون و سرو و نارون که در نقاط گرم‌سیر هندوستان وجود نداشت، در آثار خویش از تشبیهات و استعارات و کلمات نوینی استفاده کردند. قهرمانان و پادشاهان و عاشقانی چون رستم و سهراب، جمشید و انوشیروان و شیرین و فرهاد و لیلی و مجنون هم موجب تزئین کلام آنان گردید. همچنین، با توسعه افق فکری سخنوران هند و پاکستان اصناف سخن و اقسام کلام هندیان نیز فزونی یافت و ادبیات آنان با قصیده و غزل و مثنوی و رباعی مزین گردید.

۱۰ - در نتیجه مهاجرت و مسافرت ایرانیان به شبه قاره علاوه بر ایجاد تحولات بالا، تغییرات جالبی در علوم طب و موسیقی که از زمان قدیم در آن سرزمین وجود داشته و به پیشرفت‌های خاصی نیز نایل گردیده بودند بوقوع پیوست. طب یونانی یا طب بوعلی سینائی یا طب اسلامی از ایران به هندوستان رفت و زیر سرپرستی پادشاهان مسلمان آن مملکت مراحل پیشرفت و ارتقا را پیمود. امروزه در شهرهای مختلف هند و پاکستان مراکز بزرگ همین طب دایر است. در موسیقی سنتی هندوستان موسیقی ایران تأثیر شگرفی از خود گذاشت. امیر خسرو دهلوی در این زمینه خدمات ارزنده انجام داد. اوستار ساخت و طبله را هم او درست کرد، لحن معروفی بنام قوالی که آواز دستجمعی است و در مواقع و محل‌های مذهبی خوانده می‌شود نیز به امیر خسرو منسوب می‌باشد.

۱۱ - صنعتگران ایرانی گاهی به دعوت پادشاهان هند و پاکستان و در مواقعی جهت کسب مال و منال از میهن خویش دوری جستند و در غربت شاهکارهایی کم نظیر از خود بیادگار گذاشتند. کاخهای صد ستون و آپادانا که مدتی قبل در شهر قدیمی پاتلی پوترا از آنها (در هند) خاکبرداری بعمل آمده و در زمان حکومت سلاطین موری در حدود سه قرن پیش از میلاد ساخته شده است و همچنین تاج محل و قلعه‌ها و مساجد کوه پیکر لاهور و دهلی و آگرا و خانقاهها و پل‌ها و سایر ابنیه زیبای تاریخی هند و پاکستان و بنگال همگی نمایشگر نبوغ و کمال استادان ایرانی ویا کسانی که از فنون ساختمان‌سازی ایران ملهم گشتند می‌باشد.

۱۲ - تاریخ‌نویسی هیچگاه در بین هندوان معمول نبود. آشنائی کشمیریان با شاهنامه فردوسی موجب شد تاریخ‌نویسی به سبک حماسه ایران به زبان سانسکریت در کشمیر آغاز گردد و سخنوری توانا بنام کلهن بهت کشمیری به پیروی از فرزانه طوس به سرودن مثنوی تاریخی بزبان سانسکریت زیر عنوان «راج ترنگی» پردازد. کلمه «راج ترنگی» درست معنای شاهنامه را داراست. کلهن بهت در اثر مزبور خویش دقایق تاریخی کشمیر را از آغاز آن تا زمان خود (قرن دوازدهم میلادی) منظوم ساخته است. عده دیگری نیز در پیروی از وی کوشیدند و منظومه‌های تاریخی بسبک شاهنامه سانسکریت سرودند. علاوه بر حماسه سرائی و تاریخ‌نویسی، تذکره‌نویسی و قصیده‌نگاری هم در سانسکریت در نتیجه آشنائی هندیان با ادبیات فارسی در آن مملکت آغاز گردیده است.

۱۳ - استاد ابوریحان بیرونی نامدارترین محقق و ریاضی‌دان و ماهر هیئت و نجوم عصر خویش که بالغ بر ۱۳ سال در پاکستان بسربرد و به مطالعات عمیق در رشته زبان‌شناسی و ادبیات و مذاهب و رسوم هندوان پرداخت اهالی شبه قاره را با فلسفه یونان آشنا ساخت و با نگارش کتاب «ماللهند» هند و پاکستان را به جهان مترقی و پیشرفته زمان معرفی نموده و بدین ترتیب خدمات

ارزنده‌ای در راه هند و پاکستان‌شناسی انجام داد. باید اضافه نمود پیش از بیرونی هیچکس در خود هندوستان هم کتابی پیرامون اوضاع اجتماعی و فرهنگی آن کشور با دقت و صحتی که وی در جمع‌آوری اطلاعات مربوط بکار برده برشته تحریر نکشیده بود بهمین علت بیرونی با نگارش کتاب مزبور قریباً پیش هندشناسی را آغاز نموده و خدمت شایانی به شبه قاره انجام داده است.

۱۴ - اسامی افراد مانند جیبیل، نندا، سلطان غیاث‌الدین، اکبرشاه و غیره و اسامی شهرها و پرندگانمانند ملتمان، بنگاله، لاهور، سومنات، دهلی و طاووس و طوطی و غیره در ادبیات ایران زیاد به چشم می‌خورد. بدین ترتیب ادبیات ایران که معرفت جهانی دارد و همواره مورد توجه اغلب دانشوران و ادیبان دنیا بوده است در شناسائی هر چه بیشتر هندوستان در اقصی نقاط عالم سهمی بسزا داشته است.

۱۵ - کشتیرانان و ملاحان ایرانی هم تا پیش از تسلط پرتغالی‌ها و اروپائیان در اوقیانوس هند به سواحل هند و پاکستان رفت و آمد داشتند و کالاهای تجارتي را از کشوری به کشور دیگری حمل می‌کردند. محصولات هندوستان از قبیل ادویه و زنجبیل و صندل و عاج و امثال آنها بوسیله همین ملاحان به بازارهای در سواحل دریای مدیترانه می‌رسید. بنابراین میتوان ادعا نمود ایرانیان در رونق بخشیدن به تجارت و صنایع هند و پاکستان برای قریباً به ممالک مزبور کمک کردند و در مرتب ساختن شبه قاره با جهان خارج که از حیث تمدن وضع بهتری داشت سهمی شدند.

۱۶ - ایران علاوه بر اسلام زبان و ادبیات شیرین فارسی و فرهنگ و تمدن گرانبه و قوی خود را به هندوستان به ارمغان داد. فرهنگی که همواره مایه افتخار و سربلندی هندیان بویژه مسلمانان آن سرزمین گشته و امروز هم زیر بنای تأسیس و تحکیم پاکستان بشمار میرود. اصولاً بعد از قرآن و دین مبین اسلام مهمترین عامل حفظ شخصیت ملی مسلمانان شبه قاره همین فرهنگ ایران بوده که در بین آنها به اسم ثقافت اسلامی نامیده شد و جهت تحفظ آن پاکستان تشکیل گردید.

۱۷ - در نتیجه تماس فارسی‌زبانان با بومیان هندوستان زبان جدیدی بنام ریخته یا هندی یا هندوستانی که در حال حاضر اردو هم نامیده می‌شود بوجود آمد. هندی یا اردو در کوتاه مدتی زبان عمومی مردم آن سرزمین گشته و پس از زبان انگلیسی که زبان رسمی شبه قاره می‌باشد رایج‌ترین زبان آن سرزمین محسوب می‌شود. علاوه بر اردو که زائیده نفوذ فارسی در هندوستان است سایر زبانهای محلی هند و پاکستان و بنگال مانند سندھی، پنجابی، بنگله، کشمیری، مراحتی، گجراتی، پشتو و گومکھی، مالایالم و امثال آنها تحت تأثیر فارسی قرار گرفته و تعداد قابل توجهی از واژه‌های ایرانی در آن‌ها وارد شده است.

۱۸ - نبوغ خلاقه ایران در مواقع مختلف در هندوستان نفوذی از خود بجای گذاشت و مورد تقلید و سرچشمه الهام اهالی آن سرزمین قرار گرفت چنانکه در زمان حکومت خاندان موریای در پاتلی پوترا (در قرن سوم پیش از میلاد) تخت جمشید ایران مورد تقلید هندیان واقع شد و آپادانا و کاخ صد ستون و هزار ستون را در آن دیار ساختند. اشوک اعظم، نامدارترین پادشاه در تاریخ قدیم بهارت (هند) با الهام از کتیبه‌نگاری هخامنشیان، کتیبه‌های متعددی را در قلمرو وسیع سلطنت خویش، روی قله‌ها و ستون‌ها از خود بیادگار گذاشت، سرستونهای اشوکا شباهت زیادی با سرستونهای تخت جمشید داشته است. آئین دربارداری هخامنشیان نیز بوسیله اشوکا مورد تقلید واقع شده است.

با الهام از تخت «طاق‌دیس» تختی که بشکل طاق بوده و بزمان خسرو پرویز ساسانی منسوب است و از نظر ساخت بسیار زیبا و پیر بها بوده تختی بسیار قشنگ و قیمتی در زمان شهاب‌الدین شاهجهان امپراطور بابر ساخته شد و نام آن را تخت طاووس گذاشتند. تخت طاووس بوسیله نادرشاه از دهلی به ایران انتقال یافت و سپس ضایع شد.

همچنین محمدمشاه بهمنی پسر علاء‌الدین‌شاه بهمنی پادشاه دکن (جنوب هند) تخت فیروزه را ساخت.

همچنین «بلنددروازه» در آگرا در جواب عالی‌قاپوی قزوین و اصفهان و چهل ستون،

مشاهی مسجد و میناره جنبان و چارباغ در شهرهای دهلی، آگرا، لاهور، احمدآباد و چنیوت (پاکستان) با الهام از چهل ستون و مسجدشاه و مناره جنبان اصفهان تعمیر یافت.

اعطای خطاب «ملك الشعرا» به سرابنده دربار و پیاده رفتن شاه عباس صفوی به مشهد مقدس از طرف جلال‌الدین اکبر شاهنشاه هندوستان مورد تقلید واقع شد و او هم پیاده از آگرا به اجمیر رفت و خطاب ملك الشعرا به غزالی مشهدی داد. طهماسب صفوی جنگی را که عده‌ای از هنرمندان ایران آن را تهیه کرده بودند به حمیده بانو همسر همایون هدیه نمود. در تقلید از آن مرقع‌های متعددی از جمله مرقع گلشن و مرقع گلستان بوسیله پادشاهان تیموری هند بخصوص جهانگیر ساخته شد. اغلب اهمات کتب فارسی که در ایران نوشته شد مانند شاهنامه فردوسی، مثنوی مولانا رومی، خمسه نظامی، گلستان و بوستان سعدی، غزلیات حافظ شیرازی، رباعیات عمر خیام و امثال اینها در هند و پاکستان بلاجواب نماند و در تتبع هر کدام از آنها آثار متعددی در شبه قاره بفارسی و زبانهای محلی بویژه زبان اردو بوجود آمد. با در نظر گرفتن چنین حقایقی میتوان گفت ایران همواره الهام‌بخش برای هند و پاکستان در زمینه‌های ادبیات و مذهب و بعضی از فنون و هنرها بوده و موجب بالارفتن سطح دانش و هنر در آن سه کشور گردیده است.

۱۹ - گروه کثیری از عارفان و متصوفین مسلمان مانند شیخ علی بن عثمان هجویری، خواجه معین‌الدین چشتی، خواجه قطب‌الدین بختیار کاکلی، شیخ بهاء‌الدین زکریا ملتانی، سید محمد گیسودراز، مولانا جلال‌الدین تبریزی، میر سید علی همدانی و امثال آنها که همگی فارسی‌زبان بودند با تبلیغ اسلام و ترویج توحید و اصول اخلاقی و عرفانی اسلامی تحولات عظیمی در جوامع هندو و توده مردم آن سامان بوجود آوردند و مساوات اسلامی و برابری را در بین آنها جان‌نشین گروه‌بندی و امتیازات نژادی و فرقه‌ای ساختند. در نتیجه برخی از جنبش‌های مذهبی و اجتماعی نظیر دین «بهگتی» و «سکه» و غیره به منصفه ظهور رسید. پیروان این ادیان در ادبیات زبانهای محلی چون پنجابی، بنگله، مراهمی و زبانهای دیگر شمال و جنوب هند اندیشه‌های برابری و برادری را ترویج نمودند و تمام فعالیت‌هایی که از جانب پیروان ادیان بهگتی و سکه و غیره در این موارد صورت گرفت بیشتر مدیون متفکران و عارفان ایرانی بوده است.

۲۰ - در دهه اخیر ایران، بعلاوه پیشرفتهای چشمگیری که در صحنه اقتصاد و سایر امور داخلی اش حاصل نموده و به کسب افتخارات خاصی در بین اقوام عالم نایل گردیده است نتوانست در تعدیل سیاستهای ممالک شبه قاره که احیاناً متضاد با منافع مشترک خود آنها بود نقش سازنده‌ای ایفا کند. ایران بویژه با پاکستان در مسایل مختلف همکاریهای زیاد نموده و در زمینه‌های فرهنگی و اقتصادی و سیاسی با آن کشور هم‌فکر و هم‌گام بوده است.

هند و پاکستان و زبان و ادبیات فارسی: طاعات فریبی

عده‌ای از استادان ایرانی مطالبی پیرامون نقش اهالی شبه قاره در رواج زبان و ادبیات فارسی مرقوم داشته‌اند که در اینجا به درج اقتباساتی چند از نگارشات برخی از آنان مبادرت می‌ورزیم: شادروان سعید نفیسی در پیشگفتار «ارمغان پاک» چاپ کانون معرفت تهران سال ۱۳۳۴ چنین نوشته است:

«... امروز ما صدها کتاب نظم و نثر فارسی در رشته‌های مختلف داریم که در هند و پاکستان نوشته شده و بحث در نظم و نثر فارسی در هندوستان و پاکستان یکی از مفصل‌ترین مباحث تاریخ ادبیات ماست. در دوره بایریان بسیاری از سخن‌سرایان بزرگ ایران به هند رفتند یا در آنجا مانده و بخاک رفته‌اند و یا با بغل‌بغل ثروت و نعمت در پایان زندگی بایران بازگشته‌اند و سرسلسله این دسته دوم صائب تبریزی شاعر بزرگ قرن یازدهم ایران است؛

ناچار هر که در این رشته بسیار وسیع یعنی فارسی در هندوستان و پاکستان مطالعه کند خدمت بزرگی به ادب ایرانی کرده است و هر چه در این زمینه بنویسد باز جای سخن هست و تا سالها زمینه دست نخورده و بکر در پیش ما خواهد بود . . . »
امیری فیروزکوهی در مقدمه کلیات صائب تبریزی چاپ کتابخانه خیام تهران ص ۶ چنین گوید :

« . . . معذالك میشود گفت که خود هندیان و بزرگان ایشان به سنت سلاطین و امرای خویش در تعلم و تعلیم فارسی و حفظ و ترویج آن از بذل هیچ نوع همت مادی و معنوی و ابراز علاقه بسیار کوتاهی نکردند و آنرا مانند زبان اجدادی خود محافظت نمودند و گویندگان و نویسندگان گرانقدرشان آنقدر بدین زبان تألیفات و تصنیفات گرانبها که در ایران نظیر ندارد کرده و چندان احاطه و اطلاع بخرج دادند که بیش از آن متصور نیست بحدی که هم اکنون هندوستان از کثرت وجود کتب فارسی و علاقه آن بزرگواران در جمع آوری و حفظ آنها در حکم کتابخانه و بلکه گنج خانه نفایس کتب فارسیست . . . »

شادروان استاد سعید نفیسی در مقدمه دیوان امیر خسرو چاپ تهران سال ۱۳۴۳ عبارت ذیل را نوشته اند :

« . . . در سراسر ادوار تاریخی چه پیش از اسلام و چه بعد از اسلام هندیان و ایرانیان نزدیکترین روابط را با یکدیگر داشته اند و هر گز خلی در آن راه نیافته است . اکنون تاریخ ادبیات و نظم و نثر فارسی در میان هند و ایران مشترک است و بهمان اندازه که در این هزار سال گذشته نویسنده و سراینده زبان دری در ایران بوده در هندوستان نیز زیسته اند .

تا روزیکه سراسر هندوستان مستعمره انگلستان شده تمدن ایران چنان در هند رواج داشته که زبان فارسی پس از ایران در شبه قاره هند پیش از هر زبان دیگری رایج بوده و زبان درباری همه خاندان های شاهی هندوستان شده است . از آغاز قرن ششم مردم هندوستان چنان بزبان فارسی خو گرفته اند که در هر دوره چند نویسنده و شاعر بزرگ در هندوستان زیسته و آثاری پدید آورده اند . »
شادروان استاد احمد بهمنیار در مقدمه فرهنگنامه جدید ، تألیف مرحوم پروفیسور فیروزالدین رازی چاپ لاهور سال ۱۳۳۳ چنین نوشته است :

« . . . این رابطه که غالباً با روابط سیاسی و اقتصادی توأم و علاقه همکیشی و هم نژادی سبب استحکام و دوام آن بوده است دانش خواهان پاکستان را بفرافتن زبان فارسی که هم زبان علم و ادب و هم زبان سیاست و حکومت محسوب می شد متمایل ساخت و تعلیم و تعلم و کتابت و تکلم بدین زبان در آن کشور رواجی روزافزون یافت و رفته رفته پاکستان بعد از ایران مهد و مرکز زبان و ادبیات فارسی شد و حتی زمانی هم در این زمینه برای ایران مقدم و رواج شعر و ادب فارسی در آن کشور بیش از کشور ایران گردید و در چنین زمان بود که مردمان آن کشور زبان فارسی را بمثابة زبان بومی تلقی کردند و در محاورات روزانه به سهلی و آسانی زبان بومی بکار بردند و فضلا و علمای آن کشور بر جمع و تدوین لغات و کنایات و مصطلحات و امثال و حکم فارسی همت گماشتند و در تهذیب و ترتیب قواعد صرف و نحو و بیان و عروض و قافیه و دیگر علوم لفظیه فارسی جد و جهدی که نظیرش حتی در خود ایران هم دیده نمی شد مبذول داشتند و قسمت مهمی از آثار علمی و ادبی خود را بفارسی تألیف کردند و صاحبان طبع موزون بفارسی شعر گفتند و چون بین طبقات روشن فکر دولت روابط برقرار بود و از افکار و آثار فکری یکدیگر بزودی و آسانی مطلع شدند فارسی معمول درد و کشور تقریباً یکی بود و تحولاتی که می یافت اثرش در هر دو کشور مشهود می شد چنانکه انشای نثر مصنوع درد و کشور تقریباً در یک وقت معمول گردید و سبک شعر معروف به هندی که در پاکستان بوجود آمده بود در ایران هم رایج و متداول شد . »

استاد جلال الدین همائی در کتاب فرهنگ نویسی فارسی در هند و پاکستان چاپ تهران سال ۱۳۴۱ چنین می نگارد :

« . . . اهمیاتی که در کشور هندوستان (به معنی عام قدیم که شامل هر دو مملکت هند

و پاکستان فعلی است) نسبت به زبان و ادبیات فارسی مخصوصاً فرهنگ‌نویسی و تذکره‌الشعرا مبذول شده چندین برابر کاریست که خود ایرانیان در این باره انجام داده‌اند. برای تعلیل و توجیه این امر شاید توهم شود که خدمت هند و پاکستان بزبان و ادبیات فارسی نظیر خدمتی باشد که ایرانیان بزبان و ادبیات عرب انجام داده‌اند که هزار مرتبه بیشتر از خود عربها در این زمینه کار و کوشش کرده و کتاب نوشته‌اند بطوریکه اکثر کتب ادب عربی از لغت و صرف و نحو و معانی و بیان و بدیع و نقدالشعرا و امثال آن که مستند خود عربها نیز واقع شده پرداخته‌سعی و همت ایرانیان است. . . .»
دکتر ذبیح‌الله صفا در تقریظ کتاب فرهنگ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان چاپ تهران سال ۱۳۴۱ چنین می‌نویسد:

« . . . من از آن باب که خود را یکی از خادمان ساحت سخن پارسی می‌شمارم، هیچگاه نمی‌توانم از بیان سپاس‌داری و حق‌شناسی در برابر این همه کوشش‌های هندیان در نگهداشت گنجینه ادب پارسی خاموش بمانم. این مردم جمال‌دوست هنرپرور روزگاری دراز که ما در تنگنای حوادث خرد می‌شدیم خود را بعنوان مدافع قهرمان آثار پارسی معرفی کردند، شاعران ما را پذیرفتند، نویسندگان ما پناه دادند، آثار ما را چون گوهرهای فروزان بجان خریدند، با کوشش‌های مداوم خود در آموختن و تتبع زبان و آثار پارسی بر شماره شاعران و نویسندگان پارسی و آثار پارسی بمقدار معتنا بهی افزودند. . . .»

« . . . با این وصف باسانی در می‌یابیم که آن همه شاعر و نویسنده و کتاب‌پارسی در هند و پاکستان چگونه جمع شدند و مجاهداتی که در نگاهداشت و شرح و توضیح آنها شده از کجا برخاسته است. . . .»

« . . . کتابهایی که در هر یک از فنون ادب پارسی در سرزمین پهناور هند و پاکستان نوشته شده بیشمار است و تحقیق در هر یک از آنها بواقع شایسته صرف عمرهای دراز است. چه خوش بود که همت‌ها در این راه گماشته می‌شد تا نسل‌های حاضر و آینده ایران از وجود این سرمایه‌های عزیز ادب پارسی در آن دیارها آگاه باشند. »

استاد علی‌اصغر حکمت در کتاب «سرزمین هند» چاپ دانشگاه تهران (صفحه ۶۲)
اینچنین مرقوم داشته‌اند:

« . . . خلاصه کلام سلاطین اسلامی هند از قرن پنجم هجری (یازدهم میلادی) تا آخر دوره مغولیه (قرن سیزدهم هجری، نوزدهم میلادی) همواره حامی و پشتیبان فرهنگ و ادب و هنر اسلامی ایرانی بودند. دربار این سلاطین بوسیله امرای ایرانی مآب مرکز فعالیت‌های فرهنگی و محور جنبش‌های علمی گردید و از ایشان در تمام شعب صنایع مستظرفه و فنون جمیله و علوم و آداب آثار مخلد هم بزبان فارسی و هم بزبانهای محلی باقی ماند. نه تنها پادشاهان اسلام بلکه مهارج‌های هندو همه در انتشار شعر و ادب فارسی و فن و هنر ایرانی و تشکیلات و سازمان‌های کشوری و اجتماعی بسبب ایرانیان سهمی بسزا داشته‌اند. توجه این پادشاهان بدینگونه امور سرمشق خوبی برای امراء و راجاها و نوابها در اطراف و اکناف مملکت گردید. بطوریکه آثاری بسیار از ایشان در تاریخ و ادبیات هند در این قرون باقی مانده است و خلاصه در این دوره هشتصد ساله پیکر فرهنگ اسلامی آمیخته با فرهنگ هندی و در جامه زبان و ادب فارسی مخلوط با ادب و زبان سانسکریت به منتهای توسعه و کمال رسید. »

شجاع‌الدین شفا در کتاب جهان‌شناسی در مورد خدمات هندوستان (هند و پاکستان)
به ادبیات فارسی چنین مینویسد:

« . . . در میان کلیه کشورهای جهان از لحاظ زبان و ادبیات و فرهنگ ایران مملکت هندوستان مقام ممتازی دارد. بزرگترین مجموعه کتب و نسخ خطی فارسی در تمام جهان متعلق به کتابخانه‌های هندوستان است و بالاترین تعداد فرهنگها و دستوره‌های زبان فارسی تاکنون در آن کشور تألیف شده و تقریباً کلیه شاهکارهای کلاسیک ادبیات فارسی قبل از ایران در آن مملکت بچاپ رسیده است که مهمترین روزنامه فارسی قرن گذشته جبل‌المتین از مره آنهاست. »

« تعداد کتیبه‌ها والواح فارسی مربوط به ابنیه تاریخی در آن کشور بعد از خود ایران از هر جای دیگر بیشتر است و در حال حاضر نیز مراکز تعلیم زبان و ادبیات فارسی و زبانهای اوستائی و پهلوی در دانشگاهها و در مراکز غیر دانشگاهی یا خصوصی هندوستان از حیث تعداد انستیتوها و مراکز ایران‌شناسی هندوستان در درجات اول است. این موقعیت خاص، طبعاً زاده طول مدت روابط فرهنگی و مدنی میان دو کشور ایران و هندوستان است. . . . »
درباره تفاهم فرهنگی و هنری دولت ایران و پاکستان ذکر نکات زیر ضروری است :

۱- علاقه وافر تاجداران و درباریان آنها در شبه قاره به کتابهای اسلامی و ایرانی موجب شد مهاجران ایرانی نسخ خطی کتب ذیقیمت فارسی و عربی را بعنوان ارزنده‌ترین هدیه جهت تقدیم به سلاطین معارف‌پرور هند و پاکستان به آن دیارها ببرند. بدین طریق تعداد قابل توجهی از آثار فارسی به آن ممالک راه یافت و از چپاول روزگار که در ایران بیشتر صورت گرفت مصون و محفوظ ماند. الان تعداد زیادی از آن نسخ در گنجینه‌های علمی شبه قاره و کتابخانه‌های انگلستان نگهداری می‌شود.

۲- اهالی شبه قاره آثار پهلوی و فارسی را بزبانهای محلی هند و پاکستان و انگلیسی و فارسی منتقل ساختند. بطور مثال زرتشت بهرام در قرن هفتم هجری (۱۲۷۸ میلادی) اردو-یرافنامه و زرتشت‌نامه را از زبان پهلوی به فارسی منظوم ترجمه کرد. عده‌ای از انگلیسی‌ها و خود هندیها نیز برخی از کتب مهم فارسی مانند زیورعجم، اکبرنامه، اقبالنامه جهانگیری، برهان مآثر، طبقات ناصری، تاریخ فرشته و امثال آنها را بزبان انگلیسی برگرداندند. همچنین تقریباً تمام امهات کتب فارسی و آثار کلاسیک آن زبان نظیر شاهنامه، مثنوی مولانا روم، خمسه نظامی، گلستان و بوستان سعدی، غزلیات حافظ، رباعیات خیام و سایر آثار ارزشمند زبان مزبور بارها بزبانهای اردو، سندی، بنگالی، پنجابی و غیره ترجمه شده است. برخی از کتب عربی و اردو و سندی و پنجابی بزبان فارسی هم انتقال یافته و بدین ترتیب زبان ایران در شبه قاره گسترش پیدا کرده و گنج‌های تازه به ذخایر آن افزوده شده است.

۳- مشایخ و عالمان، نویسندگان و گویندگان، صنعتگران و هنرمندان عالی‌مقام ایرانی در مواقعی که کشور آنان مورد تهاجم اقوام دیگر قرار گرفته و یا دچار اختلالات سیاست داخلی و هرج و مرج اجتماعی واقع شده، بمنظور برخورداری از امنیت و حفظ سلامتی و بهوای کسب مال و منال و جلب بذل و نوال رهسپار هند و پاکستان شدند و در آنجا، در پرتو ادب‌نوازی و هنر‌پروری مریدان سرسخت زبان و فرهنگ و هنر ایران به عز و جاه رسیدند و در محیط کاملاً سازگارتری توانستند نبوغ و استعداد‌های سرشار خویش را در مقیاس بسیار بلندی بروز دهند. در نتیجه، آنان با همکاری عالمان و ادیبان و هنرمندان بومی هندوستان کارهای عظیمی در رشته‌های گوناگون دانش و علم و هنر انجام دادند و بدین ترتیب معیار عظمت و ارزش ادبیات فارسی و فرهنگ و هنر ایران را بالا بردند.

شهرت عظیم پادشاهان هند و پاکستان در مورد ادب‌پروری و ایران‌دوستی آنان هر کسی را که در ایران متاعی از هنر و کمال در دست داشت طرف خود کشید بهمین علت در هر دوره از تاریخ هند اسلامی اسامی تعداد کافی از ایرانیان در صورت رجال دربار پادشاهان مختلف بچشم می‌خورد. عده‌ای از ایرانیان مهاجر در هندوستان بر اینکه سلطنت تکیه زدند. گروهی از آنان بمقام وزارت و سفارت و امارت رسیدند و مصدر کارهای شایانی واقع شدند. سرسلسله‌های بهمنیان، قطب شاهیان، عادل شاهیان، نظام شاهیان و غیره و محمود گاوآن (وزیر سلاطین بهمنی در جنوب هند) بیرم‌خان (سپه سالار اکبرخان) نعمت‌خان عالی شیرازی (وزیر اورنگ‌زیب) حکیم ابوالفتح گیلانی (حکیم اکبرشاه) شاه فتح‌الله شیرازی (عالم ریاضیات و نجوم و هیئت) ظفرخان احسن

ترتیبی از همین قبیل اشخاص بوده‌اند .

جلد سوم تاریخ معروف بدایونی (منتخب‌التواریخ) مخصوص احوال شاعران و عارفان و فضالان روزگار اکبر شاه است و در آن از ۳۸ عارف، ۶۹ دانشمند، ۱۵ حکیم و ۱۶۷ شاعر نام برده شده و اغلب آنها ایرانیان مهاجر می‌باشند .

ابوالفضل در «آئین اکبری» ۵۱ نفر شاعر ملازم دربار اکبر را نام برده و همه آنان ایرانی بوده‌اند . تعداد شیرازیها که در زمان سلطنت علی عادل‌شاه پادشاه بیجاپور به جنوب هند رفتند و به کسب انعام مفتخر گردیدند ده هزار بود .

استاد علی‌اصغر حکمت در کتابش بنام «سرزمین هند» چاپ دانشگاه تهران بسال ۱۳۳۷ (صفحه ۸۹) در این مورد چنین می‌نگارد :

« . . . چون ستاره دولت اکبر بقدرت و مکنّت و جاه و جلال و باوج کمال رسید دست عطا بخش او باعث شد که سیل شعرا و سخنوران از بلاد ایران احرام طواف آگرا را بسته در آن دیار رحل اقامت افکندند . او بشعر فارسی رغبت و میل فراوان داشته و از خود وی اشعار و ابیات روایت کرده‌اند . »

۴ - تعداد کتیبه‌ها و الواح فارسی مربوط به اینیه تاریخی در هند و پاکستان و بنگلادیش بعد از ایران از هر جای دیگر در دنیا بیشتر است . مسلمانان آن ممالک فارسی را مانند عربی زبان مقدسی می‌دانند بهمین علت بر سر دربهای آرام‌گاهها و روی مقبره‌ها بجای زبانهای محلی و اردو کتیبه‌ها بفارسی نوشته می‌شود .

۵ - عده‌ای از دانشمندان در شبه قاره تألیفاتی دربارهٔ زبان و ادبیات فارسی و تاریخ و فرهنگ ایران بزبانهای محلی و انگلیسی تهیه نموده‌اند . تاریخ ادبیات فارسی در دربار مغولان هندوستان اثر پروفیسور دکتر غنی (بزبان انگلیسی) شرح حال و آثار عبدالقادر بیدل نوشته دکتر عبدالغنی (بانگلیسی) شرح حال و آثار حکیم اوحدالدین انوری (بانگلیسی) از دکتر نسیم آثار پروفیسور دهگلا درباره زرتشت و تاریخ باستان ایران (بانگلیسی) و غیره و همچنین تاریخ ایران بزبان اردو از پروفیسور بدخشانی و تاریخ ادبیات فارسی بفارسی اثر دکتر غلام سرور ، سخنوران معاصر ایران بفارسی بقلم پروفیسور اسحاق ، حیات سعدی به اردو اثر مولانا الطاف حسین هالی ، شعر العجم به اردو نگارش شبلی نعمانی و کتب متعدد دیگری را که در هند و پاکستان در رشته‌های اشاره شده بزبانهای مختلف نوشته شده است میتوان بعنوان شاهد معرفی کرد .

۶ - نخستین تذکره شاعران فارسی بنام لباب‌الالباب تألیف سدیدالدین محمد عوفی زیر سرپرستی ناصرالدین قباچه پادشاه ملتان و اچه و سرزمین وسیع سند (پاکستان) در ملتان نوشته شده است .

۷ - نخستین اثر فارسی در رشته تصوف و عرفان ایرانی بعنوان کشف‌المحجوب مؤلفه عثمان بن علی هجویری در شهر لاهور (پاکستان) نگارش یافته است .

۸ - بعلت اینکه سند در قلمرو پادشاهان صفاری شامل بود فارسی در آن نواحی از زمان آنها رواج پیدا کرد و تا این اندازه معمول گردید که نخستین زن ، شاعر فارسیگو بنام رابعه بنت کعب قضاوری از پاکستان برخاسته است .

۹ - قدیمی‌ترین کتاب موجود منشور فارسی بنام «الابنیه عن حقایق الادویه» نگارش ابو منصور موفق بن هروی که در قرن چهارم به پاکستان رفته بود در آن کشور نوشته شده است .

این کتاب در سال ۱۳۴۷ ه. توسط اسدی طوسی کتابت شده و نسخه خطی اش در کتابخانه موزه وین نگهداری می‌شود. (جهان ایران‌شناسی تألیف شجاع‌الدین شفا).

۱۰- ابو معشر خراسانی در قرن سوم هجری سفر طولانی به هندوستان کرد و کتاب مهمی در علم نجوم تهیه نمود و اطلاعات در مورد ارقام هندسی را از آنجا به کشورهای اسلامی منتقل ساخت. او در سال ۸۸۶ میلادی در شهر بنارس در گذشته است.

۱۱- زرتشتیان هندوستان با آموختن اوستا به جوان فرانسوی بنام آنکتیل دوپرون در قرن هیجدهم میلادی در اوستاشناسی را در جهان باز نمودند و همچنین انجمن آسیائی بنگال در کلکته و بمبئی که در سالهای ۱۷۸۴ و ۱۸۰۴ م. تأسیس یافت ایران‌شناسی را در مغرب‌زمین معمول ساخت.

۱۲- پادشاهان ملتان و بنگال و دکن (جنوب هند) از سعدی و حافظ برای مسافرت به پاکستان و هند دعوتی بعمل آوردند و هدایایی برای آنها به ایران فرستادند. جمعی از عالمان و ادیبان ایران مانند عبدالرحمن جامی و شاه نعمت‌الله ولی و حکیم رکنامسیح کاشی (استاد صائب تبریزی) و امثال آنان پولی از هندوستان در ایران دریافت می‌کردند و مورد عنایات سلاطین و امرای هند قرار می‌گرفتند. چنین محبت‌ها باعث دلگرمی بیشتر شاعران و نویسندگان فارسی و موجب پیشرفت ادبیات آن زمان می‌شد.

۱۳- اولین چاپخانه‌های فارسی با چاپ سربی در سال ۱۷۸۱ م و چاپ سنگی در سال ۱۸۱۰ م در کلکته دائر شد. (جهان ایران‌شناسی نگارش شجاع‌الدین شفا). اولین دیوان حافظ شیرازی و کلیات سعدی در سالهای ۱۷۹۱ تا ۱۷۹۵ میلادی در کلکته بچاپ رسید در سال ۱۸۰۱ م. مجموعه منتخبات فارسی (نظم و نثر) زیر عنوان «منشی فارسی» توسط ادیب ایران‌شناس انگلیسی بنام فرانسس گلیدون در کلکته انتشار یافت. در سال ۱۸۰۶ م. متن گلستان که از بهترین چاپهای آن بود در کلکته به طبع رسید. همچنین اسکندرنامه نظامی و متن کامل شاهنامه در چهار جلد در سال ۱۸۲۹ م در کلکته به حلیه طبع آراسته گردید.

۱۴- نخستین روزنامه فارسی به عنوان «هندوستانی» در سال ۱۸۱۰ میلادی توسط شخصی بنام «اکرام‌علی» با چاپ سنگی در کلکته منتشر شد. در سال ۱۸۲۲ م مجله فارسی و جام جهان‌نما، در بمبئی و در سال ۱۸۲۳ م مجله فارسی شمس‌الآخبار در کلکته و روزنامه معروف فارسی بنام «حبل‌المتین» در سال ۱۸۹۳ م در کلکته انتشار یافت.

۱۵- چاپخانه‌های متعددی مانند مطبعه نولکشور لکهنؤ و کاپنور، مطبعه مجتبیائی دهلی، مطبعه انجمن آسیائی بنگال کلکته، دارالطبع سرکار عالی حیدرآباد، مطبعه مظفری بمبئی، مطبعه مظهرالعجائب مدرس، مطبعه ریاض هند امرتسر، مطبعه شیخ غلام‌علی لاهور، چاپخانه شیخ مبارک‌علی لاهور و امثال آنها که تعداد مجموعی آنها به چندین صد عدد می‌رسد به انتشار آثار فارسی پرداختند و هزاران اثر آن زبان را تکثیر نموده و بدینترتیب در حفظ آثار فارسی و تعمیم نسخ آنها خدمات بسیار ارزنده انجام دادند. هنوز هم برخی از چاپخانه‌هایی در شبه قاره به انجام چنین خدمتی سودمند اشتغال دارند و در هر سال تعداد قابل توجهی از کتب و مجلات فارسی را بچاپ می‌رسانند.

۱۶- شهرت شعر پروری و ادب‌نوازی پادشاهان و امرای دربار سلاطین هند و پاکستان

تعداد زیادی از دانشمندان و گویندگان ایرانی مانند غزالی مشهدی، نظیری نیشابوری، عرفی شیرازی، ابوطالب کلیم کاشانی، صائب تبریزی و امثال اینها را از وطن خود به آن دیارها کشید و آنان در سرپرستی مریبان فارسی و ادب و فرهنگ ایران که در ترویج فارسی و تشویق و قدردانی نویسندگان و سرایندگان آن زبان حداکثر مجاهدت را بکار می‌بردند آثار فراوان و پربارزشی را بوجود آوردند. علاوه بر آنها فارسیگویان محلی و نویسندگان هندی مانند امیر خسرو دهلوی، فیضی اکبر آبادی، بیدل عظیم آبادی، سراج‌الدین علی‌خان آرزو دهلوی، غالب دهلوی، اقبال لاهوری و امثال اینها نیز آثار ذی‌قیمتی بفارسی از خود بیادگار گذاشتند.

نتیجهٔ مساعی مشترک گویندگان و نویسندگان ایرانی و فارسی‌نگاران هندی در راه بوجود آوردن آثار علمی و ادبی در شبه قاره این بود که دهها هزار کتاب در رشته‌های مختلف ادبیات و علوم گوناگون بفارسی نوشته شد و بدین ترتیب زبان و ادبیات ایران توسعه دامنه‌داری در سرزمین مزبور نمود و گنجینه‌های عظیمی به ذخایر گرانبهای آن افزوده شد. بخصوص در رشته‌های دستور زبان، فرهنگ‌نویسی، تذکره‌نویسی و تاریخ‌نویسی بیش از ایران در هند و پاکستان کتابها نگارش یافت.

۱۷ - نفوذ تمدن جدید مغرب‌زمین در کشورهای خاوری تحولاتی در شئون مختلف زندگی و سنت‌های کهن شرقیان و از جمله ایرانیان ایجاد نمود ولی اهالی هند و پاکستان بخصوص مسلمانان آن مملکت‌ها که فرهنگ ایران در تمدن آنها تأثیر فراوانی داشت در قبول نفوذ تمدن باختری تأمل ورزیدند و در حفظ آنچه که بعنوان میراث فرهنگی از بزرگان خویش دریافت داشته بودند پافشاری نمودند. در نتیجه، زبان و فرهنگ ایران در عین اصالت خود در بین مسلمانان هند و پاکستان نیز باقی ماند. امروز همانگونه که در خانواده‌های اصالت‌دوست ایرانی سنن قدیم این کشور حفظ شده است در پاکستان هم از آن نگهداری بعمل آمده و عده زیادی از پاکستانیها و همچنین مسلمانان هند که پایند به سنت‌های قدیم می‌باشند در حفظ آداب اجتماعی و سنن و میراث ادبی و فرهنگی ایران خدمات شایانی انجام داده‌اند.

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

